

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۱.۲۷

۸۷/۱/۱۰۸۲۵۸
۸۸/۱۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره دکتری تاریخ

استقرار تشیع در حکومت سربداران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی بیگدلی

استادان مشاور:

سرکار خانم دکتر شیرین بیانی
جناب آقای دکتر عطاءالله حسنی

پژوهش: محسن جعفری مذهب

۱۳۸۵

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۴

۱۱۱۰۶۷

انقضای مهلت در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۹
شماره ۱۹/۵ (فهرست و شرح) در پیوسته
شماره ۱۳۸۷/۲/۲۸ (فهرست و شرح)
مطلبی صحافی شده آن به همراه مکاتبات
به دفتر گروه تاریخ تحویل داده شده است

علی بیگدلی

مهر گروه تاریخ

مجلس شورای اسلامی
گروه تخصصی تاریخ

تقدیم به همسر که چند سال در انتظار اتمام این پایان نامه رنج برد

چکیده

سده هشتم هجری، مقارن با استیلای سربداران بر خراسان، در تاریخ تشیع از این رو واجد اهمیت است که پس از حدود یکصد سال حاکمیت خاندان مغولی بر ایران، توانست حکومتی مستقل در بخشی از خراسان تاسیس کند که دست کم پنجاه سال دوام آورد. تاسیس دولتی شیعه در زمانی که هنوز اکثریت مردم ایران در مذهب تسنن بودند، پدیده قابل توجهی برای مورخان و پژوهندگان بوده و هست. درست است که با سقوط خلافت بغداد بدست مغولان، مرجع رسمی حمایت از مذهب اهل سنت از بین رفت (یا دست کم دور از دسترس اهالی ایران بود) اما ظاهراً تاسیس حکومتی شیعی در ایران، زودتر از روند تاریخی خود انجام شد. روشن است که بدون شناخت وضع شیعیان در آن دوران، نمی‌توان پاسخی برای این پرسش‌ها یافت.

پذیرش مذهب شیعه برای حاکمان سربدار و تعبیر "دولت شیعی سربدار" در ادبیات تاریخی دوره مغولان و تیموریان، به عنوان اصلی ثابت نمایانده شده است. از نظر رساله حاضر می‌توان و باید در این اصل پذیرفته شده تردید نمود و نویسنده خود به دنبال رفع این تردید، به نتایج جدیدی دست یافته است. این پژوهش بر آنست تا چگونگی استقرار تشیع در حکومت سربداری را روشن کند.

تاریخ دولت سربداری را به سه دوره میتوان تقسیم کرد:

۱ - دولت آغازین و کاملاً متظاهر به مذهب تسنن (از آغاز تا زمان پهلوان حسن دامغانی)

۲ - دولت میانی و انتقالی از مذهب تسنن به مذهب تشیع (از زمان پهلوان حسن تا علی موید)

۳ - دولت شیعی مذهب علی موید

تلاش رساله حاضر بر تبیین دوره میانه است. هدف از این پژوهش نمایاندن چگونگی و چرایی تغییر تدریجی مذهب حاکمان سربداری از تسنن به تشیع، و دوری گرفتن هرچه بیشتر از جامعه سنی اطراف خود است. نویسنده علاوه بر منابع تاریخی منتشر و شناخته شده، به سکه‌ها نظری عمیقتر انداخته، از بعضی نسخه‌های خطی و پراکنده و نیز بازسازی کرده خود بهره گرفته است.

یافته نهایی نگارنده، تردید در نظریه حکومت سراسر شیعی سربداران است که حتی مورد ادعای مورخان دوره تیموری و صفوی نیز نبوده است. این بررسی قصد دارد تفحصی چند در تاریخ این دوره کوتاه نموده، و چند اصل مورد قبول را مورد پرسش و بازشناسی قرار داده و کالبد شکافی نماید.

کلید واژه: سربداران، ایلخانان، سبزواری، تشیع، تسنن

فهرست مطالب :

ص ۱	- پیشگفتار
ص ۳	- مقدمه:
ص ۸	- طرح مسئله
ص ۹	- سابقه و ضرورت انجام تحقیق
ص ۱۱	- پرسش های پژوهش
ص ۱۲	- فرضیه های پژوهش
ص ۱۳	- روش انجام پژوهش
ص ۱۴	- محدوده زمانی و مکانی پژوهش
ص ۱۵	- سازمان پایان نامه
بخش یکم : تشیع در خراسان	
ص ۱۸	فصل ۱- اسلام در ایران پراکندگی مذهبی در ایران (جغرافیای مذهبی ایران)
ص ۳۳	فصل ۲- تشیع در سده های هفتم و هشتم هجری
ص ۴۰	فصل ۳- ارتباط "سیادت"، "فتوت" و "تصوف" با تشیع
ص ۵۱	فصل ۴- تشیع در سبزوار
بخش دوم : در تاریخ سربداران	
ص ۶۷	فصل ۱- ایران در آستانه برآمدن سربداران
ص ۷۸	فصل ۲- تاریخ سربداران
بخش سوم : مذهب در حکومت سربداران	
ص ۱۰۲	فصل ۱: پیشینه نظریه حکومت سراسر شیعی سربداران دلایل ارائه شده برای اثبات تشیع سربداران " دوره اول "
ص ۱۰۷	اسناد دال بر عدم تشیع سربداران " دوره اول "
ص ۱۱۷	فصل ۲: مذهب سربداران دوره دوم
ص ۱۲۲	بررسی اسناد تشیع سربداران دوره دوم
ص ۱۲۳	

فصل ۳: مذهب سربداران دوره سوم

بررسی اسناد تشیع و عدم تشیع سربداران دوره سوم

ص ۱۲۶

نتیجه گیری

ص ۱۳۶

پیوستها

ص ۱۳۸

۱- نامه شیخ حسن جوری به محمد بن ارغونشاه

ص ۱۴۵

۲- گزارش ابن بطوطه

ص ۱۶۲

۳- ابن یمین و ممدوحین او

ص ۱۶۷

۴- راحة الارواح

ص ۱۷۳

۵- نامه خواجه علی موید به شهید اول

ص ۱۸۱

۶- شکار نامه ایلخانی

ص ۱۸۷

۷- سگه های سربداری

ص ۲۰۱

۸- داستان اسب سفید

ص ۲۱۱

۹- ذیل مجمع الانساب شبانکاره ای

منابع و مأخذ

فهرست منابع و مأخذ

فهرست پژوهشها

فهرست مقالات

فهرست پژوهشهای لاتین

پیشگفتار:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به چند برهه از تاریخ ایران و اسلام توجه بیشتری شد و آن دوره‌هایی بود که انقلاب اسلامی ریشه در آنها داشت یا انقلابیون چنین می‌پنداشتند.

به عنوان نخستین حکومت شیعی، علویان طبرستان و اسماعیلیان الموت مورد توجه خاص قرار نگرفتند زیرا شیعی اثنی عشری نبودند. آل بویه نیز چون خلفای عباسی را در مقام خود ابقا کردند حکومت شیعی محسوب نشدند. اما سربداران!

سربداران خراسان اهمیت بیش از اندازه یافتند و البته جو انقلاب اسلامی نیز یاریگر خوبی بود.

به چند دلیل سربداران مورد توجه قرار گرفتند:

۱- تلاش در جهت تشکیل حکومت عدل از سوی آنان.

۲- تشیع آنان.

۳- انتظار ظهور مهدی منتظر از سوی آنان.

۴- مردمی بودن سران نهضت.

۵- نام "سربدار" که مظهر ظلم ستیزی و ایستادگی آنان تا پای دار بود.

و همین چند مورد نیز، از پایه‌های انقلاب اسلامی ایران بود. کتابها، مقالات و تحقیقات درباره این دوره تاریخی نوشته، تجدید چاپ و انجام شد. و آنچه باین دوره اهمیت عمومی داد، سریال تلویزیونی "سربداران" بود که عامه مردم را با آن آشنا کرد و هر چند بسامان نرسید، اما مردم به اهداف سازندگان و محرکان این کار تلویزیونی بطور کلی آشنا شده‌اند.

حساسیتهای خاص اوایل انقلاب، علایق انقلابیون و اهداف بعضی گروههای سیاسی، میدان

بازی به این دوره تاریخی داده‌اند. و هر گونه سخنی نه به این صورت و در این میدان، شاید مذموم

شمرده شود.

مطالعات و تحقیقات انجام شده در این دوره (در داخل و خارج)، نشاندهندهٔ اختلاف تحلیلها در مورد این نهضت است. علت عمدهٔ این اختلافات ثابت شمردن اصولی است که حوادث تاریخی، گهگاه با آن مخالفت دارند و موجب سردرگمی محققان شده است.

در این بررسی قصد داریم تفحصی چند در تاریخ این دورهٔ کوتاه نموده و چند اصل مورد قبول را مورد سؤال و بازشناسی قرار داده و کالبد شکافی نمائیم.

از استادان گرانقدر جناب آقای دکتر علی بیگدلی استاد محترم راهنما و استادان محترم مشاور سرکار خانم دکتر شیرین بیانی و جناب آقای دکتر عطاءالله حسنی که با حوصلهٔ تمام مرا راهنمایی نموده و از هیچ گونه همراهی دریغ نفرمودند تشکر نمائیم. از جناب آقای دکتر خلعتبری نیز بدلیل همراهی تا آخرین مراحل کار بسیار سپاسگزارم. در پایان بر این جانب واجب است که از حسن ظن مسئولان گروه تاریخ، دانشکدهٔ ادبیات، تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی که با تمام مشکلات بر سر راه من همراهی، و از یاری و همراهی کم نگذاشتند کمال سپاسگزاری را بنمائیم.

مقدمه :

حکومت سربداران پدیده ای در تاریخ ایران به شمار می آید، که شاید پیش و پس از خود نمونه ای را در کنار نداشته است. حکومتی از طبقات پایین جامعه که بدون پشتیبانی قومی، مالی و سپاهی و دیوانسالاری توانست حکومت بخشی از کشور را بدست گیرد. آل زیار و آل بویه نیز چنین بودند. هرچند آنان برخاسته از سرداران جنگی طاهریان بودند، اما دست کم عصیت خانوادگی داشته و پس از دستیابی به حکومت، آن را تبدیل به سلطنت و حکومت موروثی نمودند. صفاریان نیز که کمتر از سپاهیان دولت پیشین بهره برده و بیشتر با سربداران شباهت طبقاتی داشتند پس از دستیابی به حکومت آن را تبدیل به امارت موروثی کردند که قرن‌ها ادامه یافت.

اما سربداران حتی این نشانه را نیز نداشتند. حکومت آنان بیش از آنکه مولود اتحاد قومی، طبقاتی، دیوانی، نظامی، خانوادگی باشد (که بیشتر دودمانهای پیش و پس از آنان داشتند)، مولود ماجراجویی و فرصت طلبی بود. طبیعی بود که ماجراجویی های فراوانی در تاریخ ایران و جهان به وقوع پیوسته و همگی به علت نارضایتی مردم شهری و روستایی از اجحاف و تبعیض حاکمان رده اول و دوم و حتی سوم بوجود آمده و همگی پس از مدتی بدلیل نداشتن پشتوانه ایلی، طبقاتی، دیوانی، نظامی، خانوادگی و ... به شکست انجامیده و به تاریخ پیوسته بودند.

پشتوانه معنوی صوفیه نیز نهضت‌های چندی (از مهمترین آنان تشکیل دولت صفویه) را بوجود آورد اما آنها نیز بدون ادامه رهبری صوفیانه به شکست انجامید. حکومت سربداران حتی همین پشتوانه مداوم سلسله صوفیان رهبر را نیز فاقد بود.

تنها نمونه مناسب سربداران را می توان در دولت مملوکی مصر یافت که هر حاکمی از طریق زور نظامی و به تعبیر امروزی کودتای علیه حاکم پیشین بقدرت می رسید. اما کار آنان نیز پس از قبضه قدرت، سعی در ایجاد حکومت موروثی داشته و گاه تا دو سه نسل کارشان ادامه می یافت و همینکه قدرت بدست زنان یا اطفال می افتاد، زمینه برای قدرت یابی حاکم سپاهی بعدی آماده می شد.

جالب است که هیچکدام از رهبرای نظامی و دینی سربداران با مرگ طبیعی از دنیا نرفت و جالبتر آنکه که تقریباً همگی آنان بدست همدیگر بقتل آمدند. جدول زیر روند این امر را نشان می دهد:

رهبر دینی	رهبر سیاسی	رهبر سپاهی	پایان رهبری	قاتل
شیخ خلیفه			دار زده شدن در	دشمنان سنی؟
			مسجد	
	عبدالرزاق		در پایتخت	برادرش وجیه الدین مسعود
شیخ حسن جوری			در میدان جنگ با آل کرت	مسعود سربداری؟
	مسعود		در میدان جنگ با آل باوند	شیعیان مازندرانی
درویش هندوی مشهدی			مفلوک شدن (قتل ؟) در سبزوار	آیتیمور سربداری
سید عزالدین سوغندی			مرگ در راه فرار به مازندران	
		محمد آیتیمور	خانه نشین شدن و قتل	شمس الدین علی
	کلو اسفندیار		کنار رفتن اجباری	دو سربدار
	علی شمس الدین (پسر خردسال مسعود)		کناره گیری از حکومت و دریافت چهار خروار ابریشم	

	قتل	شمس الدین علی
نصرالله اتابک لطف الله	قتل	یحیی کراوی
	عزل	ظہیر الدین کراوی
حسن دامغانی	قتل	حیدر قصاب
حسن دامغانی	عزل و حبس و قتل	لطف الله پسر مسعود
سردارانش بدستور علی موید بدلیل گروگانگیری علی موید	شورش سرداران و قتل	حسن دامغانی
سربازان علی موید	فرار و قتل	عزیز جوری
میدان جنگ در رکاب امیر تیمور	عزل و جنگ در رکاب امیر تیمور	علی موید

جالب توجه است که هیچ کدام از این رهبران به مرگ طبیعی نمردند و تنها اولین و آخرین نفر (شیخ خلیفه و علی موید) بدست دشمنان دینی بقتل آمدند. تنها کسانی هم که بقتل نیامدند، نخست فرزند خردسال مسعود بود که با گرفتن چهار خروار ابریشم، چشم از حکومت شست، و سپس ظہیرالدین کراوی که بدون اعتراض چشم بر حکومت بست.

لذا می توان گفت که حکومت سربداران (از بکار بردن واژه دودمان یا سلسله خودداری می کنم) از بی نظم ترین حکومت‌های موجود در ایران بود که بدون هیچ پایه قوی اجتماعی، و تنها به

از سویی دیگر، غربی‌ها بدلیل ناآشنایی با ادبیات و بویژه ادبیات تاریخی ایرانی، فریب برخی لفاظی‌های نویسندگان شرقی را خورده و بعضی استعارات و تشبیهات و تعارفات فراوان و بیجای نویسندگان ایرانی را جدی گرفته و بر اساس آنها، نکته‌گیری‌هایی نموده، یا نظریه‌های داده‌اند. نمونه‌هایی از اینگونه جدی‌گرفتن ادبیات استعاری و تعارفی و مجازی بکار برده توسط پژوهندگان غربی را در ادامه نوشته خواهیم یافت. بکاربردن اصطلاحاتی چون "جمهوری شیعی"^۱ "دموکراسی سریداران"^۲، "سربداران دموکرات منش"^۳، "استقرار عدالت از طریق استبداد"^۴ از سوی آنان، و "خلافت شیعی"^۵ و امثال آن از سوی نویسندگان ایرانی، نشان از اهمیت پرداختن مجدد به موضوع سریداران است.

تعبیر هرن از حکومت سریداران به "جمهوری" بسیار مهم است. با توجه به آغاز شناخت علمی سریداران (و دیگر دودمانهای ایرانی و شرقی) توسط غربیان و اروپاییان، و حتی شرق اروپاییان (روسیه و بلوک شرق)، مدل‌های اجتماعی و سیاسی غربی برای مطالعه این واحدهای مطالعاتی انتخاب شد. لذا بعید نیست که از واژه‌های جامعه‌شناختی غربی برای این کار استفاده شود. و این از بزرگترین مشکلات در زمینه شرق‌شناسی و بتبع آن، استفاده از مطالعات شرق‌شناسان است.

اگر از زمان انتشار جدی‌ترین پژوهش مبتنی بر نگاه سوسیالیستی به سریداران (کتاب نهضت سریداران خراسان^۶ نوشته پطروشفسکی) ۵۰ سال، و از زمان انتشار جدی‌ترین پژوهش مبتنی بر نگاه

^۱- بوزانی ۵۱۸

^۲- مینورسکی طغا تیمور ۲۰۰

^۳- رییکا ص ۴۵۰

^۴- مزروی ص ۱۴۵

^۵- مدیر شانه چی ۶۳۳

^۶- چاپ روسی بصورت مقاله در سال ۱۹۵۶ چاپ شده بود

هرچند رساله حاضر نیز، تاریخ نگاری دوباره سرداران نیست و تنها پرسشهایی اساسی را درباره آنان مطرح می کند که بایست جواب آن نیز داده شود، اما گمان دارد می تواند پایه ای برای نوشتن تاریخی دیگر برای سرداران باشد.

طرح مسئله

سده هشتم هجری، مقارن با استیلای سربداران بر خراسان، در تاریخ تشیع از این رو واجد اهمیت است که پس از حدود یکصد سال حاکمیت خاندان مغولی بر ایران، توانست حکومتی مستقل در بخشی از خراسان تاسیس کند که دست کم پنجاه سال دوام آورد.

تاسیس دولتی شیعه در زمانی که هنوز اکثریت مردم ایران در مذهب اهل سنت بودند، پدیده قابل توجهی برای مورخان و پژوهندگان بوده و هست. درست است که با سقوط خلافت بغداد بدست مغولان، مرجع رسمی حمایت از مذاهب اهل سنت از بین رفت (یا دست کم دور از دسترس اهالی ایران بود) اما ظاهراً تاسیس حکومت شیعی در ایران، زودتر از روند تاریخی خود انجام شد. روشن است که بدون شناخت وضع شیعیان در آن دوران، نمی‌توان پاسخی برای این پرسش یافت که چگونه نخستین حکومت شیعی در ایران پای گرفت؟

پذیرش مذهب شیعه برای حاکمان سربدار و تعبیر "حکومت شیعی سربدار" در ادبیات تاریخی دوره مغولان و تیموریان، به عنوان اصلی ثابت نمایانده شده است. از نظر این پژوهشگر می‌توان و باید در این اصل پذیرفته شده تردید نمود و خود پژوهشگر در ادامه رفع این تردید به نتایج جدیدی دست یافته است. پژوهش حاضر بر آنست تا چگونگی استقرار تشیع در دولت سربداری را روشن کند.

تاریخ دولت سربداری را به سه دوره میتوان تقسیم کرد:

۱- دولت آغازین و کاملاً سنی مذهب (از آغاز تا زمان پهلوان حسن دامغانی)

۲- دولت میانی و انتقالی از مذهب تسنن به مذهب تشیع (از زمان پهلوان حسن تا علی موید)

۳- دولت شیعی مذهب علی موید

تلاش این رساله بر تبیین دوره میانه است. هدف از این پژوهش نمایاندن چگونگی و چرایی تغییر تدریجی مذهب حاکمان سربداری از تسنن به تشیع، و دوری گرفتن هرچه بیشتر از جامعه سنی اطراف خود است.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

نخستین تردید مهم درباره پیشینه شیعی سربداران را، جان ماسون اسمیت بیان کرد. او که یک سکه شناس بود، با آگاهی از سکوت منابع تاریخی در اثبات این امر^۸ که ممکن است سربداران در آغاز کار مذهب اهل سنت داشته یا به آن تظاهر می کردند^۹ از راه بررسی سکه های خراسان در یک دوره نیم سده ای، به نتایج مهمی رسید. تاکید بر اشاره مهم او از همین جهت است:

"این یافته ها دقیقا نشانگر این است که دولت سربداران، دست کم تا سال ۷۵۹ هجری، رسماً در بینش سنی گری باقی مانده و فقط در میانه سالهای ۷۵۹ و ۷۶۳ هجری است که این دولت بینش خود را به تشیع تغییر داده است. این نتیجه گیری دارای اهمیت هایی است. منابع غیر سکه ای، اشاره ای جز اینکه سربداران از آغاز شیعی مذهب بوده اند نکرده است"^۸، و:

"بار دیگر اگر مفاهیم مذهبی سکه های سربداری را در نظر بگیریم، اسناد سکه های شیعی دامغان در سال ۷۵۹ هجری به علی موید امکان پذیر است. اولین نکته مهم اینست که علیرغم عقیده عمومی که آنهم ناشی از کاربرد بدون نقادی اطلاعات ابن بطوطه است مبنی بر اینکه تمام سربداران شیعی مذهب و شیعی رادیکال^۹ بودند، دولت سربداران در واقع رسماً، لااقل از سال ۷۴۸ تا ۷۵۹ هجری سنی مذهب بوده است و اگر عقاید شخصی اعضای آن گرایش بطرف تشیع داشته، دلیلی نداشته که منافع آنها مهمتر از منافع تسنن رسمی باشد"^{۱۰}

در واقع جان ماسون اسمیت بدلیل علایق سکه شناختی خود، سعی کرده تناقض بین روایات تاریخی (بزعم خود) و سکه های در دسترس را در این کتاب حل نماید.

نگارنده تلاش دارد با ذکر اهمیت فراوان توجه ماسون اسمیت به این دوگانگی در تاریخ

سربداران، روش دیگری را بکار گیرد که در پژوهشهای تاریخی بکار میرود:

^۸ - خروج و عروج سربداران ترجمه یعقوب آژند ص ۸۴

^۹ - تعبیر از ماسون اسمیت است

^{۱۰} - همان ص ۸۵

- ۱- برخلاف نظر اسمیت، مبنی بر اینکه: "منابع غیر سکه ای، اشاره ای جز اینکه سریداران از آغاز شیعی مذهب بوده اند نکرده است"، منابع غیر سکه ای تاریخی هیچ اشاره ای به تشیع سریداران نخستین نداشته، بلکه شدیداً به عکس آن تمایل دارد.
- ۲- برخلاف نظر اسمیت، روند تغییر مذهبی سریداران، علاوه بر سکه شناسی، از راه بررسی منابع تاریخی نیز ممکن است. منابعی که در زمان اسمیت هنوز منتشر نشده بودند.
- ۳- اسمیت که تردید جدی او موجب تهیه این نوشته گردید، خود در شیعه بودن سریداران بر اساس منابع تاریخی تردیدی نشان نمی دهد و در جای جای پژوهش خود از شیعه بودن نخستین سریداران به وضوح سخن می گوید.

پرسش های پژوهش

این پایان نامه تلاش دارد به پرسشهای زیر پاسخ دهد:

- ۱ - پذیرش عام نظریه "دولت شیعی سریداران" از چه زمانی شکل گرفت و مستند آن چه بود؟
- ۲ - چرا نخستین حاکمان سریداری از روشن کردن گرایش مذهبی خود پرهیز می کردند؟
- ۳ - نقش رقیبان سنی مذهب سریداران، در جدایی هرچه بیشتر سریداران از جامعه سنی مذهب خراسان چه بود؟
- ۴ - نیاز سریداران در اختیار کردن مذهبی جدا از همسایگان سنی خود، از چه زمانی احساس، و چه تلاشی در این راه انجام گرفت؟
- ۵ - از چه زمانی مذهب تشیع، مذهب حکومت و اکثریت^{۱۱} مردم ناحیه تحت تسلط سریداران شد؟

۱۱ - اثبات اکثریت و اقلیت در این زمان، البته سخت است.

فرضیه‌های پژوهش

۱ - نخستین قضاوت درباره "حکومت سراسر شیعی سریداران"، نه در دوره تیموریان، بلکه در دوره صفویه شکل گرفت.

۲ - با آنکه حکومت سریداری از آغاز با اتحاد دو عنصر صوفیگری و فتوت (پهلوانی) بوجود آمد، اما ظاهراً منافاتی با مذهب اکثریت ایرانیان یعنی مذهب تسنن نداشت. عدم اختیار (یا اعلام) مذهب تشیع (که می توانست در نقش سکه های آنان نمود داشته باشد)، از سوی حاکمان سریداری، دست کم بدلیل درک حساسیت سنیان خراسان بوده و زمانی که از حمایت یا اتحاد آنان ناامید شده اند، مذهب تشیع خود را نیز بروز داده اند.

۳ - مهمترین رقیب سنی مذهب سریداران یعنی آل کرت، سهمی فراوان در القای تلاش سریداران برای نابودی مذهب اهل سنت از خراسان داشت و آنان را در جدایی هرچه بیشتر از اکثریت مردم خراسان پایدارتر نمود.

۴ - از زمان پهلوان حسن دامغانی، تلاشهایی برای استفاده از مذهب تشیع آغاز شد. لذا به دعوت او نگارش کتابهایی درباره ائمه دوازده گانه آغاز شد. بدیهی است که در صورت وجود کتاب و نویسندگان درباره ائمه دوازده گانه، این سفارش انجام نمی شد. حتی در دوره بی تردید شیعه بودن خواجه علی موید، باز هم بدلیل عدم حضور فقیه در ناحیه خراسان^{۱۲}، برای راهنمایی شیعیان، از شهید اول در شام یاری خواسته می شود.

۵ - اعلان علنی مذهب تشیع، در دوره خواجه علی موید صورت گرفت که بنظر می آید در میان همه همسایگان برسمیت شناخته شد. منابع تاریخی و سکه شناختی نیز این روند را کاملاً تصدیق می کنند.

۱۲ - درباره عدم حضور فقیه در خراسان، بنگرید به نامه علی موید به شهید اول.

روش انجام پژوهش

با آنکه جرقه نخستین این پژوهش از ذهن سکه شناسی کاوشگر بوجود آمده و منابع سکه شناختی (باستانشناختی) او را در بیان چنین فرضیه ای یاری کرده اند، اما در این بررسی، روش پژوهش تاریخی به کار گرفته شد. از این رو نخست، منابع شناسایی گردید آنگاه از نظر اهمیت منبع، میزان دسترسی به اطلاعات و پابندی مورخ به بیان واقع، در قیاس با سایر منابع ارزیابی شد (نقد بیرونی) و سپس با به کارگیری تعقل و بینش تاریخی به ارزیابی روایات خود منبع پرداخته (نقد درونی) و از گزارش‌های درست آن با استفاده از روش‌های گوناگون تحلیلی بهره گرفته شده است.

گسترده‌گی دامنه پژوهش موجب دشواری کار تحقیق شد، اما افزون بر آن توجه به این نکته لازم است که در آن روزگار نیز همانند امروز، شیعیان در جهان اسلامی در اقلیت می‌زیستند و بنابراین در منابع بجا مانده از آن روزگاران جایی چندان نیافته‌اند که برای پژوهش در باب ایشان بسنده باشد. دسترسی به منابع موجود نیز با دشواری‌های ویژه خود همراه است و به نظر می‌رسد وجود همین دشواری‌ها موجب شده که تاکنون در این مورد پژوهشی همه سویه صورت نگیرد. این سخن به معنی کاستن از ارج و قدر پژوهش‌های موجود نیست بلکه بیان جایگاه واقعی آنهاست. خالی بودن پژوهش‌های موجود از بررسی‌های باستان شناسی و سکه شناسی، نیز موجب شده که تاریخ سربداران با این بدفهمی همراه شود که آنان در سراسر دوران حکومت خود مذهب تشیع را حمایت کرده اند.

رویکرد بنیادی در این رساله، شناخت سربداران و شناساندن نحوه عمل آنان در استقرار تشیع بعنوان مذهب دولت آنان است و طی آن تلاش شده تا آن بدفهمی دفع و این کاستی‌ها رفع گردد.